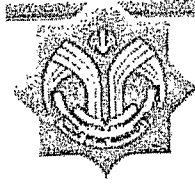


17/1/05 202
17/1/05 14

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

10719E



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان :

بررسی میزان اعتبار لوازم عادی و عقلی استصحاب

و بررسی مصادیق آن

استاد راهنما :

حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی محامد

استاد مشاور :

حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید علی اصغر موسوی رکنی

نگارنده :

مظفر رجب زاده

بهار ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۲

۱۰۶۱۹۴



صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: رجب زاده مظفر

رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی به شماره دانشجویی: ۸۵۲۳۲۰۰۸۲۰

تحت عنوان: بررسی میزان اعتبار لوازمات عقلی و عادی استصحاب و برخی مصادیق آن

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷/۰۴/۱۲ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۸,۱۲

نمره به حروف هیجده و دوازده صدم را با درجه عالی دریافت نمود.

نام خانوادگی و نام	رتبه علمی	تخصص	امضاء
محامد علی	استاد راهنما	دانشیار	
موسوی رکنی سید علی اصغر	استاد مشاور	استادیار	
امیدی فرد عبد الله	استاد ناظر	استادیار	
وزیری فرد سید محمد جواد	استاد ناظر	استادیار	
دیرباز عسگر	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدير امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء

نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
ت: آموزش ۲۸۵۵۶۸۴
اداری: ۲۸۵۵۶۸۶
دانشجویی: ۲۸۵۵۶۸۸

مولای من

• تقدیم به تو که عالمی در انتظار آمدنت چشم به راه دوخته و ندبه

کنان، هر صبح جمعه، تعجیل در ظهورت را از حضرت حق

خواستارند. بیا که جهان بی تو صفایی ندارد.

• تقدیم به پدر دلسوز و مادر مهربانم که در راه تعلیم و تربیت ام

کوتاهی نکردند. و با دعای خیرشان پشتوانه‌ای محکم برایم

ساخته‌اند.

• تقدیم به همسر عزیزم که همیشه همراه و هم قدم من بوده است.

• تقدیم به همه دوستان عزیزتر از جانم.

چکیده

در این پژوهش به بررسی میزان اعتبار لوازم عادی و عقلی استصحاب پرداخته شده است. که در بین علمای اصول به اصل مثبت شهرت یافته است. اصل مثبت عبارت است از ترتب آثار شرعی بر مستصحاب با واسطه عقلی یا عادی.

در اعتبار اصل مثبت دو قول عمده وجود دارد: عده‌ای از علمای اصول قائل به عدم حجیت اصل مثبت هستند؛ زیرا که ادله استصحاب را منحصر در اخبار می‌دانند و معتقدند که اخبار دلالتی بر حجیت اصل مثبت ندارد. و برخی دیگر قائل به حجیت اصل مثبت هستند، زیرا که این دسته استصحاب را از باب ظن حجت می‌دانند. و چون ظن به شیء ظن به لوازم آن را به دنبال دارد لذا حکم به حجیت اصل مثبت کرده‌اند.

در قسمتهایی از این رساله تا حدودی به بررسی اختلافات موجود بین نظرات مختلف و مسائل مطرح شده در این زمینه، پرداخته شده است. از جمله علت اعتبار اصل مثبت و یا عدم آن، علت اعتبار مثبتات اماره و عدم اعتبار آن در اصول، نقد و بررسی نقش عرف در تعیین خفاء واسطه و جلای آن در اصل مثبت و بررسی تاثیر قول به حجیت و عدم حجیت اصل مثبت در مسائل فقهی و اصولی و حقوقی.

کلید واژه‌ها: لازم عادی، لازم عقلی، استصحاب، اصل مثبت، خفاء واسطه،

جلاء واسطه، اصل تأخر حادث، .

۱ فصل اول :

۱ کلیات و مفاهیم

۲ مبحث اول :

۲ کلیات

۲ مقدمه

۸ بیان مساله تحقیق

۱۰ پیشینه تحقیق

۱۴ ضرورت تحقیق:

۱۴ سوالات تحقیق:

۱۵ فرضیه‌های تحقیق:

۱۵ روش و مراحل تحقیق:

۱۶ اهداف تحقیق:

۱۷ مبحث دوم:

۱۷ تعاریف و مفاهیم

۱۷ الف: لازم

۱۷ ۱- معنای لغوی:

۱۷ ۲- معنای اصطلاحی:

۱۸ ب: اصل

۱۸ ۱- معنای لغوی

۱۸ ۲- معنای اصطلاحی:

۲۰ ج: اصول عملیه

۲۰ د: استصحاب:

۲۰ ۱- معنای لغوی

۲۰ ۲- معنای اصطلاحی:

۲۱ ح: اصل مثبت

۲۱ ۱- معنای لغوی

۲۱ اصل

۲۱ مثبت:

۲۱ ۲- معنای اصطلاحی:

۲۲ و: اماره:

- ۲۲ ۱- معنای لغوی
- ۲۲ ۲- معنای اصطلاحی:
- ۲۳ مبحث سوم:

۲۳ مقدمات ضروری اصل مثبت

- ۲۳ گفتار اول: استصحاب
- ۲۶ گفتار دوم:
- ۲۶ فرق میان امارات و اصول
- ۲۷ الف: فرق اصول و امارات از حیث موضوع
- ۲۷ ب: فرق اصول و امارات از حیث حکم:
- ۲۷ ۱- کاشفیت و طریقت امارات
- ۲۹ - نقد و بررسی
- ۳۰ ۲- وجود اطلاق در ادله امارات
- ۳۱ ۳. تنزیل مشکوک به منزله متیقن
- ۳۳ - نقد و بررسی

۳۸ فصل دوم:

۳۸ لوازم عادی و عقلی استصحاب

۳۹ مبحث اول: اصل مثبت

- ۳۹ گفتار اول: منظور از مثبت و مثبتات چیست؟
- ۴۰ تقریر محل نزاع
- ۴۴ - نقد و بررسی
- ۴۵ گفتار سوم:
- ۴۵ اقوال در اصل مثبت
- ۴۶ ادله حجیت اصل مثبت
- ۴۷ الف- اقامه دلیل بر خود اصل مثبت
- ۴۷ ۱. اطلاق لاتنقض
- ۴۸ ۲. اثر الأثر، اثر
- ۴۸ ۳. تعلق جعل به تمامی آثار
- ۴۹ ۴. اتفاق علما
- ۴۹ ب- اصلاح مبنا در استصحاب
- ۴۹ ۱. حکم عقل
- ۵۱ - شکل منطقی استدلال به حکم عقل
- ۵۳ اشکالات وارده بر دلیل عقلی
- ۵۳ الف. اشکال محقق خراسانی

- ۵۴ - نقد و بررسی
- ۵۵ ب. اشکال شیخ انصاری
- ۵۶ ۲. بناء عقلا.....
- ۵۷ اشکالات وارده بر بناء عقلا در اخذ حالت سابقه
- ۵۷ ۱. عدم احراز سیره عقلا.....
- ۵۸ نقد و بررسی:
- ۵۹ ۲. عدم امضاء شارع
- ۶۰ نقد و بررسی:
- ۶۱ ۳. عدم اخذ حالت سابقه در امور مهم:
- ۶۲ - نقد و بررسی.....
- ۶۳ تام بودن سیره عقلا در اخذ حالت سابقه:.....
- ۶۴ - نتیجه بحث
- ۶۷ ۳. اخبار.....
- ۶۸ روایات وارده تأییدی است نه تأسیسی
- ۶۹ دلایل نفی حجیت اصل مثبت
- ۶۹ ۱. قابل جعل نبودن آثار عادی و عقلی
- ۷۱ - نقد و بررسی:.....
- ۷۲ ۲. عدم اطلاق در ادله.....
- ۷۲ - نقد و بررسی:.....
- ۷۵ ۳. عدم تعلق یقین بر لوازم.....
- ۷۷ ۳. وجود انصراف در ادله دلیل
- ۷۷ - نقد و بررسی.....
- ۷۸ ۵. عدم کبرای شرعی
- ۸۰ گفتار چهارم:
- ۸۰ آیا اصل مثبت معارض با عدم لازم است؟.....
- ۸۱ گفتار پنجم:
- ۸۱ اثر شرعی دوم
- ۸۳ گفتار ششم:
- ۸۳ استثناها از اصل مثبت
- ۸۳ ۱. مواردی که اجماع یا سیره بر آن باشد.....
- ۸۴ - نقد و بررسی.....
- ۸۴ ۲. خفاء واسطه
- ۸۵ چند نمونه از خفاء واسطه
- ۸۵ ۱. بقاء رطوبت و سرایت نجاست
- ۸۶ - کلام محقق ثانی
- ۸۷ - نقد و بررسی کلام محقق
- ۸۷ ۲. یوم الشک و اول شوال

۸۸ نقد و بررسی خفاء واسطه
۹۲ ۳. واسطه جلیه
۹۳ نقد و بررسی جلای واسطه
۹۶ فصل سوم:

۹۶..... تطبیقات

۹۷ مبحث اول:
۹۷ اصل تاخر حادث
۹۸ الف- بیان اجمالی:
۹۹ ب- بیان تفصیلی :
۱۰۲ نظر مرحوم شیخ انصاری:
۱۰۴ ۱. دو امر حادث، معلوم التاريخ
۱۰۴ ۲. دو امر حادث، مجهول التاريخ
۱۰۵ ۳. دو امر حادث، یکی مجهول التاريخ و دیگری معلوم التاريخ
۱۰۶ الف. نظریه مرحوم شیخ انصاری:
۱۰۷ ج. نظریه مشهور
۱۰۷ نظریه اول مشهور:
۱۰۸ نظریه دوم مشهور:
۱۰۹ نقد و بررسی نظریه مشهور:
۱۱۰ ج. نظریه صاحب جواهر و کاشف الغطاء:
۱۱۰ فروعاتی که به اصل تمسک شده است

۱۱۰ ۱- موت مورث و اسلام وارث :
۱۱۲ ۲- کریت و ملاقات با نجاست :
۱۱۳ نقد و بررسی :
۱۱۴ ۳- جراحت و سرایت آن :
۱۱۷ ۴- اختلاف در سلامت و نقص عضو مقطوعه :
۱۱۸ ۵- مثله و اندمال
۱۱۹ نقد و بررسی:
۱۲۱ مبحث سوم:

۱۲۱..... مباحث صغروی

۱۲۲ گفتار اول:
۱۲۲ استصحاب فرد و ترتب اثر کلی بر آن
۱۲۵ نقد و بررسی:
۱۲۵ گفتار دوم:

۱۲۵	اثر شرعی، مجعول بنفسه یا مجعول به منشأ انتزاع
۱۲۷	نقد و بررسی
۱۲۸	گفتار سوم:
۱۲۸	وجود اثر و عدم آن مستصحباً و آثاراً
۱۳۱	گفتار چهارم:
۱۳۱	اثر واقعی و اثر ظاهری
۱۳۴	فهرست منابع
۱۳۵	کتاب نامه:
۱۴۲	فرهنگ ها و لغت نامه ها

فصل اول :

کلیات و مفاهیم

مبحث اول:

کلیات

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الاولين و الآخريين و حبيب اله العالمين و

اشرف السفراء و المهاجرين ابى القاسم محمد و على آل بيته الطيبين الطاهرين.

شکی نیست که هر متشرعی علم اجمالی دارد به اینکه خداوند احکام الزامی ای (وجوب و حرمت) دارد؛ که امثال آنها بر مکلفین واجب است و عالم و جاهل در آن احکام مشترک اند^۱. و این علم اجمالی منجز آن تکالیف الزامی واقعی است^۲. پس بر هر مکلف به مقتضای حکم عقل به وجوب تفریغ ذمه از تکلیفی که اشتغال بدان معلوم است - واجب است که در تحصیل

^۱ . بدین معنا که علم مدخلیتی در ثبوت احکام ندارد و تنها منجز تکلیف است. (محمد رضا مظفر ، اصول الفقه، تحقیق عباسعلی زارعی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۹۷)

^۲ . مرتضی انصاری ، فرائد الاصول، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ چهارم ، قم، ۱۴۲۴ ق، - محمد کاظم خراسانی، کفایة الاصول، موسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم، قم، ۱۴۲۵. ص ۳۱۳.

شناخت تکالیف از راههایی که وی را تامین می کند و علم دارد که اگر آن راهها را تبعیت کند، ذمه اش فارغ می شود، تلاش نماید.

به همین خاطر است که فقها^۱ قائل به وجوب معرفت و وجوب فحص از ادله و حجت هایی هستند که تکالیف مزبور را اثبات می کنند تا اینکه مکلف نهایت توانایی خود را در فحص و جستجو بکار گیرد و آخرین سعی ممکن اش را در این راه انجام دهد.^۲

اگر مکلف فحص کرد و اقامه حجت بر تمامی مواردی که احتمال تکلیف می داد، برایش صورت گرفت؛ کل مطلوب حاصل شده است و این نهایت مقصدی است که مجتهد جستجوگر به دنبال آن است. ولی این فرضی است که برای هیچ یک از مجتهدین واقع نشده است، بدین صورت که ادله تمامی احکام الزامی برایش حاصل شود، چون ادله بر جمیع احکام اصلا موجود نیست.^۳

اما اگر مکلف فحص کند و چیز در چند مورد اقامه حجت برایش حاصل نشود، یعنی موارد دیگری باقی بماند که در آنها احتمال تکلیف وجود داشته باشد در حالی که اقامه حجت به هر دلیلی ناممکن باشد^۴، مکلف به ناچار در حالتی از شک قرار میگیرد و نسبت به امر تکلیفش متحیر خواهد شد. در این حالت مکلف چه باید بکند؟ آیا در اینجا حکم عقلی وجود دارد که بدان تکیه کند و با رجوع به مقتضایش مطمئن شود؟ یا شارع این حالت مکلف را ملاحظه نموده چرا که علم به وقوع مکلف در چنین حالتی را دارد- و به همین خاطر وظایف

^۱ محمد کاظم خراسانی، کفایة الاصول، پیشین، ص ۵۲۵- محمد رضا مظفر، اصول الفقه، پیشین، ص ۵۹۷.

^۲ به فرض اگر مکلفی نتوانست از ادله فحص نماید- اگر چه از جهت لزوم عسر و حرج- جایز است که از یکی از مجتهدین که مورد اطمینان اوست (اعلم است) و ادله را فحص کرده و تحصیل حجت نموده، تقلید کند. و این به مقتضای ادله جواز تقلید و رجوع جاهل به عالم است و غرض ما در این بحث فقط بحث از وظیفه مجتهد است و همین مناسب علم اصول است.

^۳ بسیاری از مسائل در زمان معصومین مطرح نبوده و لذا از جمله مسائل مستحدثه محسوب می شوند.

^۴ نا ممکن بودن اقامه دلیل گاهی از بخاطر فقدان دلیل است و گاهی بخاطر اجمال دلیل و گاهی ناشی از تعارض دو دلیل- که هیچ کدام بر دیگری ترجیح نداشته باشد- می باشد و یا از جهت اشتباه در امور خارجی.

عملی برایش قرار داده است که در هنگام نیاز به آنها رجوع کند و بر طبق آنها عمل نماید تا از وقوع در عقاب الهی مصون بماند.

این وظیفه یا وظایف عملی که در صورت شک و تحیر مکلف قرار داده شده است، همان قاعده‌ای است که در نزد اصولیون «اصل عملی» یا «قاعده اصولی» و یا «دلیل فقهی» نامیده می‌شود. و برای اصولیون روشن شده است که این وظایف جاری در همه ابواب فقه-بدون اینکه اختصاص به یک باب خاصی داشته باشد- بر چهار نوع است:

۱. اصل برائت
۲. اصل احتیاط
۳. اصل تخییر
۴. اصل استصحاب

حصر در این اصول چهارگانه، حصر استقرایی است، زیرا بنا بر تتبع علما، فقط این چهار اصل، در تمامی ابواب فقه جاری می‌شوند و مختص به باب یا ابواب مخصوصی نمی‌باشند، البته غیر از اینها اصول دیگری در سایر ابواب وجود دارند که فقط در ابواب خاص جاری می‌شوند و عمومیت ندارند؛ مانند: اصل طهارت، اصل سلامت و^۱

سر تعدد این اصول چهارگانه مختلف بودن مجاری (موارد جریان) آنهاست و این اختلاف به خاطر اختلاف در حالت شک است. چرا که هر یک از اصول، حالت شک مخصوصی دارد که مجرای همان اصل است و بگونه‌ای است که در این حالت و مجرای خاص، اصول دیگر جاری نمی‌شود.

دریک بیان اجمالی در نحوه مجاری این اصول می‌توان به خلاصه فرمایش مرحوم نائینی در این زمینه اشاره کرد. ایشان می‌فرمایند:

^۱ . محمد رضا مظفر، اصول فقه، پیشین، ص ۵۹۹.

شک بر دو گونه است:

۱. گاهی مشکوک حالت سابقه دارد و شارع آن حالت سابقه را لحاظ کرده و در نظر گرفته است، این مورد مجرای «استصحاب» است.

۲. گاهی مشکوک حالت سابقه ندارد و یا اگر دارد شارع آن را لحاظ نکرده است و این حالت از سه صورت بیرون نیست:

الف: تکلیف مجهول مطلق است، یعنی حتی جنس آن معلوم نیست؛ این همان مجرای «اصل برائت» است.

ب: تکلیف فی الجمله معلوم است و امکان احتیاط هم وجود دارد؛ این مجرای «اصل احتیاط» است.

ج: تکلیف فی الجمله معلوم است ولی امکان احتیاط ممکن نیست؛ این مجرای «اصل تخییر» است.^۱

"معروف بین متأخرین این است که استصحاب مانند سایر اصول عملیه است- اگر چه از حیث رتبه بر سایر اصول عملیه مقدم است- لکن در ظاهر کلام اصولیون متقدم^۲ استصحاب یک اماره ظنیه است، به این نحو که یقین سابق به حدوث، یک اماره ظنیه‌ای است برای بقاء

۱. محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، تحقیق رحمت الله رحمتی اراکی. ناشر موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۳۳۲ (تعلیقه اغا ضیاء)، ج ۴، ۳۲۵-۳۴۰.

۲. شیخ طوسی، العدة فی اصول الفقه، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، ستاره، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ۷۵۸-سید مرتضی علم الهدی، الذریعة الی اصول الشریعة، دانشگاه تهران، بی جا، تهران، ۱۳۴۶ ش، ج ۲، ص ۸۲۹-۶۳۲- ابن زهره، غنیه النزوع، موسسه امام صادق، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸۶- الشیخ نجم الدین ابی لاقاسم جعفر بن الحسن الهمذلی حلی (محقق حلی)، المعتمر، موسسه سید الشهداء، بی جا، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۳۲. و معارج الاصول، موسسه آل البيت، بی جا، قم ۱۴۰۳ ق، ۲۰۶ و ۲۰۸- حسن نجل الشهدید الثانی، المعالم الدین فی الاصول، موسسه نشر اسلامی، بی جا، قم، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۳۲ و ۲۳۴.

شیء در زمان شک، چون مقصود از شک، شک منطقی نیست-تساوی دو طرف شک- تا منافات با ظن به بقاء داشته باشد.^۱

به عبارت دیگر در چگونگی حجیت استصحاب دو مبنا وجود دارد، یکی مبنای مشهور قدما که استصحاب را از امارات ظنیه می‌دانستند و به حکم عقل به مناط افاده ظن به بقاء، استصحاب را حجت می‌دانستند. و دیگری مبنای مشهور متأخرین^۲ که استصحاب را از اصول عملیه می‌دانند و به حکم اخبار و به مناط تعبد حجت می‌دانند.

استصحاب فروعات و کاربردهای زیادی دارد که از جمله آنها اصل مثبت است. مقصود از اصل مثبت همان ترتب آثار شرعی بر مستصحب بوسیله واسطه عقلی یا عادی است.

عده‌ای از اصولیون اصل مثبت را حجت می‌دانند و به این علت آثار شرعی را که با واسطه لوازم(اعم از لوازم عادی، عقلی و یا شرعی) اثبات می‌شوند بر مستصحب بار می‌کنند. وعده‌ای دیگر، این اصل را حجت نمی‌دانند و تنها آثار شرعی را که بدون واسطه ثابت می‌شود، بر مستصحب بار می‌کنند.

اصل مثبت فرع بر استصحاب است و لذا نوع بنا در حجیت استصحاب در سرنوشت و اعتبار اصل مثبت تاثیر گذار است. بدین صورت که: اگر چنانچه استصحاب از باب اخبار و روایات حجت باشد تنها آثار شرعی بدون واسطه بر مستصحب بار می‌شود و بقیه آثار اعم از عادی، عقلی و یا شرعی با واسطه بر مستصحب مترتب نمی‌شود به عبارت دیگر اصل مثبت حجت نخواهد بود و اگر چنانچه ما استصحاب را از باب ظن حجت بدانیم، تمامی لوازم و ملزومات و ملازمات با استصحاب ثابت می‌شود و نیازی به اثبات دلالت اخبار و تبادر آن بر این مطلب نداریم، همان طور که مرحوم شیخ انصاری به این مطلب تصریح دارند. ایشان در فرائد

^۱ . جعفر سبحانی اصول فقه مقارن فیما لا نص فیه، موسسه امام صادق، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳ش، ص ۷۴.

^۲ . مرتضی انصاری، فرائد الاصول، پیشین، ج ۳، ص ۱۴- محمد کاظم خراسانی، کفایة الاصول، پیشین، ص ۴۴۰.

الاصول چنین می‌فرمایند: «انه لو قلنا باعتبار الاستصحاب من باب الظن لم یکن مناص عن التزام بالاصول المثبتة؛ لعدم انفکاک الظن بالملزوم عن الظن باللازم شرعیا کان او غیره»^۱ اگر ما بگوییم که استصحاب را از باب ظن حجت است چاره‌ای نداریم جز اینکه اصول مثبت را نیز قبول بکنیم زیرا که ظن به ملزوم از ظن به لازم شرعی باشد و خواه غیر شرعی).

آنچه قابل تامل است این است که با وجود تصریح بسیاری از اصولیون متاخر مانند: مرحوم نائینی^۲، خوئی^۳، علامه مظفر^۴، مکارم شیرازی^۵، آقا ضیاء عراقی^۶ و...، بناء عقلا را در حجیت استصحاب نادیده گرفته‌اند. که در محل مناسب به بررسی این نظریات خواهیم پرداخت. بحث و بررسی اصل مثبت به خاطر داشتن اهمیت فراوان در اثبات فروعات فقهی و نبودن رویه واحد در گروه‌های موافق و مخالف از اهمیت شایانی برخوردار است. از جمله این تعدد رویه عبارتند از:

۱. فتوای بسیاری از فقهای متقدم بر اساس اصل مثبت.
۲. حجت دانستن اصل مثبت. از طرف علمای متقدم و برخی از علمای معاصر.
۳. اختلاف در علت عدم حجیت اصل مثبت.

^۱ مرتضی انصاری، فرائد الاصول، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۸.

^۲ محمد حسین غروی نائینی، فوائد الاصول، پیشین، ج ۴، ص ۳۳۱-۳۳۴.

^۳ ابوالحسن اصفهانی، وسیلة الوصول الی حقایق الاصول، تقریر میرزا حسن سیادت سیبزواری، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ق، ص ۷۱۴.

^۴ محمد رضا مظفر، اصول الفقه، تحقیق عباسعلی زارعی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰ش، ص ۶۱۶.

^۵ ناصر مکارم شیرازی، انوار الاصول، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول، قم، ۱۳۷۳ش.

ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۵.

^۶ آقا ضیاء الدین عراقی، مقالات الاصول، تحقیق مجتبی محمودی و سید منذر حکیم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۳۴۲.

۴. فرق گذاری بین مثبتات اصول و امارات، و این از جمله مسائلی است که نیاز به تبیین بیشتر دارد، زیرا که ملاک واحدی در بین قائلین به فرق بین اصول و امارات وجود ندارد و این نشان از عدم وجود اتقان در این بحث است که تامل و دقت زیادی را طلب می کند.

۵. استثنا کردن مواردی مثل خفای واسطه و جلای واسطه از عموم عدم حجیت اصل مثبت که مورد اعتراض عده ای از اصولیون قرار گرفته است. و سایر مواردی که در طول مباحث آینده خواهد آمد.

ما در این مختصر از خداوند متعال یاری می طلبیم تا بتوانیم به قدر وسع در وضوح و روشن سازی مباحث و بررسی موارد مورد نیاز قدمی برداریم.

بیان مساله تحقیق

استصحاب گاهی در خود حکم شرعی جاری می شود و دلالت بر اثبات حکم ظاهری مماثل با حکم واقعی در مورد مستصحب می کند (نام این استصحاب را استصحاب حکمی نامیده اند) و گاهی استصحاب در موضوع حکم شرعی جاری می گردد (که استصحاب موضوعی نام دارد). در باب استصحاب حکمی یعنی آنجا که مستصحب ما حکمی از احکام شرعیه باشد، تمام آثار حکم بر استصحاب حکم مترتب می شود. یعنی با استصحاب وجوب جمعیه (مثلاً) اگر اثر شرعی داشته باشد (مثل وجوب تصدق به درهم) بر آن مترتب می شود و اگر اثر عقلی هم داشته باشد، باز مترتب می شود (مثل: وجوب اطاعت، حرمت معصیت، استحقاق ثواب، استحقاق عقوبت و...) زیرا حکم ظاهری هم مثل حکم واقعی، حقیقتاً حکم شرعی است نه اینکه مجاز و صورت حکم باشد. و مانند حکم واقعی اطاعت و عصیان دارد و... در استصحاب موضوعی چهار فرض تصویر می شود:

۱. گاهی مستصحب ما فقط دارای اثر شرعی است و هیچ اثر دیگری ندارد. در این

فرض استصحاب موضوعی حتماً جاری می شود.

۲. گاهی مستصحب فقط دارای اثر غیر شرعی است. در اینجا استصحاب موضوعی حتماً جاری نیست؛ زیرا که هدف از جریان استصحاب اثبات اثر شرعی است و در مواردی که اثر شرعی نباشد استصحاب لغو است.

۳. گاهی مستصحب ما مستقیماً اثر شرعی دارد و به واسطه این اثر شرعی اثر عقلی هم پیدا می‌کند، باز هم استصحاب موضوع جاری می‌شود، مثلاً حیات زید استصحاب می‌شود و بدنبالش و جوب نفقه زوجه و بقیه آثار شرعی بر آن بار می‌شود و بدنبال آن اطاعت و عصیان عقلی نسبت به این وجوب مطرح می‌شود. در تمام این سه قسم محذوری برای استصحاب موضوع نداریم.

۴. محل کلام مواردی است که اثر شرعی مستصحب بطور مستقیم بر آن بار نمی‌شود بلکه آنچه اثر مستقیم محسوب می‌شود اثر عقلی و یا عادی مستصحب است و اثر شرعی با واسطه اینها بر مستصحب مترتب می‌شود.

مثال: کسی نذر کرده که اگر فرزندش به سن بلوغ برسد و یا اگر رشد کند فلان مبلغ صدقه بدهد حال بعد از ۱۵ سال استصحاب زنده بودن پسرش را میکند و نتیجه می‌گیرد که به سن بلوغ رسیده است (رسیدن به پانزده سالگی بعد از این مدت اثر عقلی است) و یا رشد کرده است (اثر عادی) و سپس وجوب صدقه را بر آن مترتب می‌کند.

حال سوال این است که آیا در این موارد هم استصحاب جاری می‌شود و اثر شرعی با واسطه بر مستصحب بار می‌شود و یا این که استصحاب جاری نمی‌شود؟ به عبارت دیگر آیا اصل مثبت حجت است یا نه؟ و منظور از اصل مثبت هم چنین اصلی است که اثر شرعی غیر مستقیم و با واسطه دارد. محدوده و اعتبار این اصل تا چه اندازه می‌باشد؟ آیا لوازم عادی و عقلی در همه جا مثبت اثر شرعی هستند و یا در هیچ جا چنین امکانی را ندارند و یا اینکه تفصیلی در بین موارد باید قائل بشویم؟ چه دلایلی موجب حجت لوازم عادی و عقلی یا عدم

آن و یا تفصیل بین موارد مختلف شده است؟ اینها سوالاتی است که این مجموعه بدنبال پیدا کردن پاسخ مناسب برای آنهاست.

پیشینه تحقیق

بحث از پیشینه لوازم عادی و عقلی استصحاب با پیشینه خود استصحاب تا حدودی آمیخته و مشترک است و لذا ما بحث را در ضمن چهار دوره استصحاب-در طول تاریخ اصول فقه امامیه- به صورت زیر مطرح می‌کنیم:

الف- دوره پیدایش و تکوین استصحاب:

استصحاب هر چند به عنوان بناء عقلایی، یعنی عرف و عادت معمول بین عقلا سابقه دیرینه داشته و پیدایش آن مقارن با خلقت آدمی و تشکیل جوامع بشری می‌باشد ولی کشف و به کارگیری آن در قوانین، از ویژگیها و افتخارات اصول اسلامی است و ظاهراً توسط دانشمندان اسلامی و در عصر معصومین(ع) صورت گرفته است.

واژه «استصحاب» بنا بر سخنان شیخ طوسی در «عدة»^۱ از یافته‌ها و ابتکارات اصحاب شافعی است. البته اگر بر لفظ استصحاب پافشاری نکنیم، در کتب روایی اسلام به اخبار فراوانی بر می‌خوریم که یا به صورت عام و یا در موارد خاص، وارد شده‌اند.

ب- دوره عقلی انگاری استصحاب:

با آغاز غیبت کبری(۳۲۹هـ.ق) و کوتاه شدن دست مسلمانان از دامن پر فیض اهل بیت(ع) و نواب خاص، دانشمندان امامیه در پی یافتن اصول و قوائد مشترک فقهی به تحقیق و تفحص پرداخته و استصحاب را به عنوان یکی از مهمترین اصول و قواعد به حوزه علم و فقاہت عرضه داشتند.

^۱ ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی (شیخ طوسی)، العده فی اصول الفقه، پیشین، ص ۷۵۵.